

تبیین فلسفی - نقلی کیفیت نفس امام معصوم (ع)

و ارتباط آن با نفوس دیگر

هادی واسعی*، محمدجواد نوروزی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۲۵)

چکیده

آنچه این مقاله عهده‌دار آن است، تبیین کیفیت نفس امام معصوم (ع) و چگونگی ارتباط آن با نفوس دیگر با رویکرد فلسفی-نقلی است. اتخاذ این رویکرد بدان جهت است که در فلسفه، از عناوین نبوت خاص و رسالت مخصوص و امامت و ولایت و خلافت افراد معین و عناوین کلی آنان گفت‌وگو نشده است اما این بدان معنا نیست که فلاسفه مسلمان به این مهم توجهی نداشته‌اند بلکه آنان هنگام تبیین قواعد فلسفی همچون «چگونگی صدور کثرات از وجود واحد» با عنایت به علوم نقلی، نظام وسائط را بهترین پاسخ به این پرسش دانسته و قائل شده‌اند که در نظام وسائط، مبادی عالیه و نفوس قدسیه، واسطه فیض و کارگردان امور تکوینی و تشریحی عالم هستند. از این رو آنان در تبیین کیفیت نفوس قدسیه، نفس امام معصوم (ع) را قلم اعلاى خدای مَنان در خلق کلمات تکوینی دانسته و قائل به عدم بینونت میان نفس امام (ع) و نبی (ص) شده‌اند. فلاسفه اسلامی در بحث نقلی «احاطه نفس امام (ع) بر نفوس دیگر» بر این باورند که چون نفس امام معصوم (ع) «نفس ما فی العالم» است و روح او روح همه و نفس او نفس همه و جسم او جسم همه است، ارتباط تنگاتنگی میان نفس امام (ع) و نفوس مؤمنین برقرار است چنانچه می‌خوانیم: «و ارواحکم فی الأرواح و نفوسکم فی النفوس و أجسامکم فی الأجسام».

کلیدواژگان

امام معصوم (ع)، انسان کامل، روح، پیامبر (ص)، مؤمنین، نفس.

* استادیار، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

** نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

طرح مسئله

شناخت زوایای پنهان نفس از دیرباز مورد توجه فیلسوفان بوده است، به گونه‌ای که بخش چشمگیری از آثار فیلسوفان یونان باستان، همچون افلاطون و ارسطو به این موضوع اختصاص دارد. فلاسفه مسلمان نیز در تألیفات خود نگاه ویژه‌ای به مباحث علم النفس داشته‌اند و کتب و نگاشته‌های فراوانی نیز در این زمینه به یادگار مانده است. یکی از موضوعات حائز اهمیت در علم النفس فلسفی اسلامی، کیفیت نفوس خلفای الهی، اعم از انبیاء و امامان معصوم (ع) است، چرا که در علوم نقلی مباحث فراوانی درباره کیفیت، جایگاه و چگونگی آفرینش نفوس معصومین (ع) وجود دارد چنانکه برخی روایات قائل به حدوث عقلی نفس حضرت خاتم (ص) و امامان معصوم (ع) پیش از حدوث عالم شده و نفوس آنان را واسطه فیض و هدف آفرینش خوانده است و همین امر سبب ورود فلاسفه مسلمان به این موضوع شده است.

با توجه به تتبع نگارنده، علیرغم اهمیت موضوع و اهتمام فلاسفه بزرگ اسلامی به این موضوع، هنوز کتاب یا مقاله مستقلی در این زمینه منتشر نشده است. از این رو بر آن شدیم تا با نگاه فلسفی-روائی به تبیین «کیفیت نفس امام معصوم (ع)» پردازیم تا ضمن پاسخگویی به این سؤال اساسی، به سؤالات مهم دیگری همچون: «جایگاه نفوس قدسیه در عالم هستی»، «کیفیت سرشت نفوس قدسیه»، «رابطه احتمالی میان نفوس قدسیه با نفوس دیگر» پاسخ دهیم. به همین منظور این گفتار را در دو بخش پی می‌گیریم: در بخش اول: به چیستی و کیفیت نفس امام معصوم (ع) و جایگاه آن در نظام هستی می‌پردازیم و در بخش دوم: به بررسی چگونگی ارتباط نفس امام معصوم (ع) با نفوس دیگر انسان‌ها می‌پردازیم.

بخش اول: چیستی نفس امام معصوم (ع) از دیدگاه حکما

چیستی نفس

در لغت بیش از پانزده معنا برای «نفس» ذکر شده است، از جمله: روح، خون، بدن، عین، نزد، حقیقت، حقیقت شیء، عظمت، عزت، همت، غیب، اراده و عقوبت (الزبیدی، ۱۹۶۵، ج ۹، ص ۱۴).

اما از این میان، آنچه با معانی اصطلاحی این واژه همخوانی دارد، همان روح که درباره نفس انسان به کار می رود.

نفس در اصطلاح اندیشمندان، به فراخور نوع تلقی و دیدگاه‌های ویژه ایشان، تعاریف و کاربردهای متفاوتی دارد، چنانکه افلاطون در تعریف نفس می‌گوید: «النفس مبدأ حياة الجسم و حرکتها؛ نفس خاستگاه حیات جسم و عامل حرکت است (افلاطون، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۲۳۵۷). و ارسطو در تعریف نفس می‌گوید: «فالنفس انطلاشیا (الکمال) الأولى جرم طبیعی آلی؛ نفس کمال نخستین برای جسم طبیعی دارای اندام (ارگانیک) است (ارسطو، بی تا، ص ۳۰). به عبارت دیگر نفس چیزی است که حقیقت اجسام طبیعی دارای عضو را تشکیل می‌دهد.

تعریف ارسطو از نفس رایج‌ترین تعریف از نفس در فلاسفه اسلامی است به طوری که غالب فلاسفه اسلامی آن را با اندک تغییری پذیرفته‌اند. ابن سینا در تعریف می‌گوید: «النفس قوة في الجسم تكون مبدأ لصدور افعال ليست علي وتيرة واحدة عادمة للارادة؛ نفس نیرویی در جسم است که مبدأ صدور کارهایی می‌شود که یکنواخت غیر ارادی نیستند» (ابن سینا، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۵). ملاصدرا نیز در تعریف نفس می‌گوید: «و هي کمال أول لجسم طبيعي آلي من جهة ما يدرك الأمور الكلية و يفعل الأفعال الكائنة بالاختيار الفكري و الاستنباط بالرأي و لكل درجات متفاوتة في الكمالية و النقص؛ نفس کمال نخستین برای جسم طبیعی دارای اندام ارگانیک است از آن روی که مدرک امور کلیه و مبدأ صدور کارهای حادث اختیاری از روی فکر و استدلال است که دارای مراتب متفاوت کمال و ضعیف است» (شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۵۳). علامه طباطبایی نیز در این باره می‌فرماید: «و النفس هي الجوهر المجرد عن المادة ذاتاً المتعلق بما فعلاً؛ نفس جوهری است که ذاتاً مجرد از ماده است ولی در مقام فعل به آن تعلق دارد» (طباطبایی، ۱۴۳۶، ص ۸۳). بنا بر دیدگاه فیلسوفان مشاء تعاریف پیشین ویژه نفس انسان و نفس افلاک است که تفکر و اندیشه دارند؛ ولی نفس نبات و حیوان از آن تعریف بیرون است؛ اما بر پایه مبانی حکمت متعالیه، افزون بر نفس انسانی، نفس حیوانی نیز در تعریف جای می‌گیرد (فیاضی، ۱۳۹۳، ص ۳).

چیستی نفس پیامبران الهی

عموم فلاسفه مسلمان بر این باورند که بر اساس قاعده عقلی، پیامبران (ع) و امامان معصوم (ع) دارای نفوس قدسیه هستند و قادرند تا بدون آموختن، حقایق اشیاء را با قوه قدسیه دریابند. اکنون به جهت مدخلیت «چیستی نفس پیامبران» در تبیین «چیستی نفس امام معصوم (ع)» ابتدا به بررسی مسأله اول پرداخته و سپس به پیروی از فلاسفه الهی به تبیین چیستی نفس امام می‌پردازیم.

الف) ابن‌سینا در بیان چیستی نفس پیغمبران می‌گوید:

اما نفس قدسی، نفس ناطقه پیغامبران بزرگ بود که به حدس و پیوند عالم فرشتگان بی‌معلم و بی‌کتاب معقولات بدانند و این چنین کس خلیفت خدای بود بر زمین، و وجود وی اندر عقل جایز است و اندر بقای نوع مردم واجب است (ابن‌سینا، ۱۳۸۳، ص ۱۴۵-۱۴۶).

ب) غزالی هنگام بحث از مراتب نوری ارواح بشری، درباره نفس قدسی پیامبران و اولیای الهی می‌گوید:

پنجمین مرتبه از مراتب نوری ارواح بشری که مختص به انبیاء و بعضی از اولیاء است روح قدسی است که بوسیله آن پیامبر و اولیاء معارف غیبی و ملکوتی و ربانی را که روح عقلی و روح فکری از درک آنها عاجزند درک می‌کنند چنانکه خدای تعالی در این آیه به آن اشاره می‌فرماید: «وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنَا» (الشوری: ۵۲) (غزالی، ۱۴۱۶، ص ۲۸۵).

ج) ملاصدرا نیز درباره کیفیت نفس پیامبران به ویژه نفس پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

جوهر ارواح انبیاء با دیگران متفاوت است اما روح پیامبر (ص) از همه آنها برتر است» (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۵۰) چنانکه فرمود: «لست كأحدكم أبيت عند ربي يطعمني و يسقيني» (همان، ص ۴۹) زیرا «خداوند تعالی، خود نفس پیامبر (ص) را برهان قرار داده است؛ آنگونه که هر عضوی از اعضاء او برهانی است، اما برهان سایر انبیاء را در خارج از نفسشان قرار داده است؛ مانند: معجزه عصای موسی (شیرازی، ۱۳۷۸، ص ۷۲-۷۳) همچنین وی در سخنی بی‌نظیر می‌گوید: «بدان کسی که قائل به مماثلت نفس نبی (ص) با نفوس سایر مردم باشد کافر است چنانکه می‌فرماید: «فَقَالُوا أَ بَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَ تَوَلَّوْا» (تغابن: ۶)، و نیز: «أَبَشَرًا مِمَّا وَاحِدًا تَتَّبِعُهُ» (قمر: ۲۴) و لذا

سخن خدای تعالی که می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ» (کهف: ۱۱۰) برحسب این نشأه ظاهری است (همو، ۱۳۶۰، ص ۱۴۴).

بر اساس آیات و روایات، پیامبران الهی نفوس متفاوت و متفاضل - طولی نه عرضی - دارند چنانکه می‌فرماید: «تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» (بقره: ۲۵۳) رسول خدا (ص) از دیگر انبیا افضل است (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج ۶، ص ۲۴۹) زیرا نفوس انبیا پیشین مانع عذاب نبود اما نفس پیامبر اکرم (ص) مانع عذاب است: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ» (انفال: ۳۳) و هم اینکه آن حضرت سیطره و احاطه وجودی و نفسانی بر دیگر امت‌ها دارد: «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا» (نساء: ۴۱) امام باقر (ع) نیز درباره نفوس گوناگون انبیا و اوصیای الهی می‌فرماید: «در انبیا و اوصیا پنج روح وجود دارد: روح القدس، روح ایمان، روح زندگی، روح قدرت و روح شهوت. ای جابر! آنان به سبب روح القدس از مطالب و امور زیر عرش تا زیر خاک (از عرش تا فرش) آگاه‌اند. ای جابر! این چهار روح [دیگر] تحت تأثیر شب و روز قرار می‌گیرند، مگر روح القدس؛ زیرا آن، به سرگرمی و بازی نمی‌پردازد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۷۲).

چیستی نفس امامان معصوم (ع)

تا کنون روشن شد که پیامبران الهی مؤید به نفس قدسی‌اند و نفس پیامبر (ص) برتر از نفوس دیگر انبیای الهی است. اکنون با توجه به مقام وصایت و ولایت معصومین (ع) از جانب پیامبر (ص)، به بررسی چیستی و کیفیت نفس امام معصوم (ع) و رابطه آن با نفس پیامبر اعظم (ص) می‌پردازیم. با مروری بر آراء فلاسفه و دیگر اندیشمندان مسلمان روشن می‌شود که آنان، نفوس معصومین (ع) را همسان با نفس نبی مکرم اسلام (ص) می‌دانند و قائل به عدم بینونت میان نفوس آنان هستند از آن جمله:

الف) میرداماد درباره کیفیت نفس امام معصوم (ع) به عنوان خلیفه پیامبر (ص) می‌فرماید: چون خلافت و وصایت، نیابت از خاتم‌النبیین است و درجه‌اش در سلسله عود همان مرتبه عقل اول در سلسله نزول است بنابراین مرتبه وصی و خلیفه نیز در مراتب عود همان درجه عقل ثانی در مراتب نزول است. لذا صحیح است که قرآن درباره اوصیاء و خلفای قدیس و صادق

بگوید) «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً» چنانکه صحیح است درباره کریم‌ترین و سابق‌ترین خلفا که نسبت علما و عقلا به ایشان نسبت حس به عقل و محسوس به معقول است در آیه مباحله به نفس نبی (ص) خطاب شود: «وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ» و به «النَّبِيَّ الْعَظِيمِ» در سوره نبأ خطاب شود: «عَمَّ، يَتَسَاءَلُونَ، عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ» و به «لِيَامَامٍ مُبِينٍ» و در سوره يس شود: «وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ» و به «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» در سوره رعد خطاب شود: «فُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» و پیامبر (ص) بر این مطلب تصریح کند که من و علی از یک درخت و یک نور هستیم (میرداماد، ۱۳۶۷، ص ۳۹۸-۳۹۹).

ب) ملاصدرا با استناد به قول افلاطون که قائل به وجود عقلی نفوس انسانی پیش از حدوث و تعلق به بدن مادی است درباره آفرینش نفوس انبیاء و اوصیاء (ع) می‌فرماید:

انسان دارای وجودی سابق بر حدوث شخصی مادی خویش است، چنانکه حکیم الهی افلاطون نیز وجود عقلی نفوس انسانی را قبل از حدوث بدن ثابت کرده است. همچنین شریعت حقه ما نیز برای افراد بشر یک نحو وجود جزئی متمایز مسبوق بر وجود طبیعی‌شان ثابت نموده است، چنانکه فرمود: «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ» (اعراف، ۱۷۲) و از امامان معصوم (ع) در روایات فراوانی نقل شده است که: ارواح انبیاء و اوصیاء از طینت علیین بوده و قبل از آفرینش آسمان‌ها و زمین آفریده شده‌اند» (شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۱۹۵).

ج) محقق دوانی و حکیم قاینی نیز درباره رابطه نفس پیامبر (ص) با نفوس معصومین (ع) می‌فرماید:

نبی باید صاحب نفس قدسی و متصرف در اجزاء عالم باشد. [چنانکه] خلیفه نبی نیز باید صاحب نفس قدسی باشد چنانکه می‌فرماید: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ» (آل عمران، ۶۱) (دوانی، بی‌تا، ص ۱۱۹-۱۲۲). حکیم قاینی نیز در این باره می‌گوید: بنا بر حکمت ایزد تعالی باید پیمبری که به روح قدسی مؤید، و نفس او بر همه نفوس غالب بوده وجود داشته باشد و خلیفه او نیز باید به نفس قدسی مؤید باشد (قاینی، ۱۳۶۴، ص ۵۴-۵۷).

د) حضرت آیت الله جوادی آملی نیز با بیان اتحاد نفوس اهل بیت (ع) با نور وجود مقدس پیامبر اکرم (ص) در موطن عقل و معنا می‌فرماید:

اهل بیت عصمت و طهارت (ع) در موطن عقل و معنا، با نور حضرت خاتم (ص) متحد بوده و در نتیجه قلم اعلای خدای منان در خلق کلمات تکوینی‌اند. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «أنا عليّ و عليّ أنا و كلنا واحدٌ من نورٍ واحدٍ و روحنا من أمر الله؛ أولنا محمد و أوسطنا محمد و آخرنا محمد و كلنا محمد!» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶، ص ۱۶). در زیارت جامع کبیر نیز آمده است: «وَأَنَّ أرواحكم و نوركم و طیتکم واحده». امام صادق (ع) نیز فرمود: «كلنا واحدٌ عند الله عزّ وجلّ... نحن اثناعشر هكذا حول عرش ربنا عزّ وجلّ في مبتدأ خلقنا أولنا محمد و أوسطنا محمد و آخرنا محمد» (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۸۶). این بینش با اندیشه توحیدی اسلام ناب محمدی (ص) کاملاً هماهنگ است؛ چون در این مدرسه توحیدی، تعین اول (وجود منبسط)، مظهر اسم اعظم و مجلای اتم اوست. چنانکه می‌خوانیم: «السلام علي مظاهر أمر الله و نخبه (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ش ۳۰۲)؛ و الصّلاة و السلام علي المجلي الأتم» (جوادی‌آملی، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۱۷۴-۱۷۶).

مرحوم سید حیدر آملی و دیگران اندیشمندان مسلمان در حوزه های مختلف فکری، با تأکید بر اتحاد نفس معصومین (ع) با پیامبر (ص) بر تساوی نفوس قدسیه پافشاری کرده و می‌گویند: «و اما اشرفیت علی (ع) بر انبیاء (ع) آن است که «به حکم قرآن علی (ع) نفس نبی (ص) است به دلیل سخن خداوند: «أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ» (آل عمران: ۶۱)، و سخن پیامبر (ص) که فرمود: «نفسک نفسی، و دمک دمی، و لحمک لحمی؛ ای علی! نفس تو نفس من، خون تو خون من و گوشت تو گوشت من است. و چون پیامبر (ص) اشرف همه انبیاء است و لذا علی مساوی پیامبر (ص) است. النبیّ أشرف من جمیع الأنبیاء، فیکون (علیّ) مساویه كذلك» (آملی، ۱۳۶۸، ص ۴۰۳). مرحوم خواجه‌نوی (خواجوی، ۱۴۱۸، ص ۹۱۶)، علامه حلّی (حلّی، ۱۴۰۱، ص ۵۱)، و علامه حسن زاده آملی ضمن استفاده از همان عبارت: «النبیّ أشرف من جمیع الأنبیاء، فیکون (علیّ) مساویه كذلك» بر تساوی نفس امام علی (ع) با پیامبر (ص) تأکید و افری دارند (حسن زاده آملی، ۱۳۷۸، ص ۶۵۰).

البته پیداست که این اصل بر وجود مبارک همه اهل بیت (ع) منطبق است چنانکه در جریان ازدواج علی (ع) و فاطمه (س) خداوند متعال بر تساوی نفوس نورانی آنان تأکید نموده و می‌فرماید که نور باید با نور ازدواج نماید: «قَالَ الْمَلَكُ يَا مُحَمَّدُ بَعَثَنِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ أُزَوِّجَ الثَّوْرَ قَالَ مَنْ يَمْنُ؟ قَالَ - فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۶۰-۴۶۱)، و پیامبر اکرم (ص) نیز بر تساوی نفس

مبارکش با نفوس اهل بیتش (ع) تأکید نموده و می‌فرماید: «یا علی! خدا مرا بر همه انبیاء برتری داد و این برتری بعد از من، از آن تو و ائمه بعد از توست» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۶۲). بنابراین، به واسطه شدت اتصال نفوس قدسیه، میان نفس رسول و نفس آل او بینوتی وجود ندارد و با نفس رسول اکرم (ص) هُو هُویت پیدا نموده‌اند و این همان وصول به مقام فناء در ذات خداوند است و حقیقت واحدیت و وحدانیت مفاد و معنی ولایت کلیه مطلقه الهیه می‌باشد که در آن تعدد و تجزئی امکان ندارد، و صرف تجرد و نور محض و بساطت کامل است: «ذَرِيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (آل عمران، ۴۴)، و «هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ عُقْبًا» (کهف، ۴۴)، و چون ولایت انحصار به خداوند دارد، پس همه این ولایتها به نحو هُو هُویت واقعی است، و یک ولایت بیشتر نمی‌باشد. زیرا یک واقعیت و یک اسم اعظم وجودی بیش نیست، و یک وجود اصیل و بخت و صرف بیشتر معنی ندارد (طهرانی، ۱۴۱۸، ج ۱۵، ص ۱۳۱).

شئون و مقامات نفس امام معصوم (ع)

هرچند در فلسفه، از عناوین نبوت خاص و رسالت مخصوص و امامت و ولایت و خلافت افراد معین، همچنین درباره عناوین کلی آن‌ها گفت‌وگو نشده است [اما] از نظر فلسفی، خدا برای افاضه به خلق، وسایطی را در نظام خلقت، پدید آورده است و از طریق آن مبادی عالی به اداره امور عالم می‌پردازد، هم در تربیت انسان (ربوبیت تشریحی)، هم اجرای احکام (ولایت و سرپرستی و حکومت بر مردم)، هم ولایت تکوینی و تصرف و خلقت عالم. بر این اساس، انسان کامل، در پیدایش و پرورش پدیده‌ها واسطه فیض الاهی خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۵۶-۵۷). اکنون با توجه به تبیین کیفیت نفس قدسی امام معصوم (ع) به بررسی جایگاه و شئون نفس امام معصوم (ع) در عالم هستی می‌پردازیم.

الف) ولایت تکوینی مطلقه

فلاسفه الهی بر این باورند که نفس امام معصوم (ع) دارای ولایت تکوینی مآذونه از جانب خداوند است و لذا در تعریف ولایت تکوینی گفته‌اند: «ولایت تکوینی» یعنی تدبیر موجودات جهان و تصرف عینی در آن‌ها؛ مانند ولایت نفس بر نیروهای درونی خودش. هر انسانی نسبت به قوای

ادراکی (وهمی و خیالی) و تحریکی (شهوة و غضب)، نیز بر اندام‌های خود ولایت دارد، از این رو اگر دستور دیدن می‌دهد، چشم او (اگر نقصی نداشته باشد) فرمان می‌برد» (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۲۸).

از دیدگاه فلسفی ولایت تکوینی اولاً و بالذات منحصر در خداوند است، چنانکه گفته‌اند: «در نگره عقلی، ولایت تکوینی از نوع رابطه علت و معلول است؛ یعنی هر علتی، ولی و سرپرست معلول خویش است و هر معلولی، مولی علیه علت خود. به سخن دیگر، خدای سبحان چون علت العلل و علت تام جهان هستی است، قیوم همه هستی به شمار می‌رود و بر اشیا (علی ما هی علیه) احاطه دارد، ظاهر باشند یا باطن و به جهت این احاطه قیومی، بر همه حقایق و موجودات احاطه وجودی نیز دارد. بر این اساس، وجود مبدئی متعالی و علت العلل، جایی برای تأثیر دیگری نمی‌گذارد و فعل حضرت حق، تمامی هستی را پُر می‌کند و چیزی از دایره ولایت و ربوبیت او بیرون نمی‌ماند: لا مؤثر فی الوجود الا الله، و هر موجودی را با حفظ همه مبادی ویژه او سرپرستی می‌کند» (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۲۸).

پس از اثبات این مقدمات، با توجه به اینکه نفس امام معصوم (ع) تحت ولایت مطلقه خداوند و به واسطه قرب نوافل به مقام قرب نائل شده است، به جهت تربیت دیگر نفوس، نفس امام معصوم (ع) مظهر قدرت مطلقه الهی و تصرف در عالم هستی قرار می‌گیرد:

[از آنجا که] خداوند متعال علت بالذات جهان است، ولایت و ربوبیت او هر موجودی را - با حفظ مبادی ویژه‌اش - دربر می‌گیرد که یکی از آنها، صادر نخستین است و واسطه فیض الهی با دیگر موجودات به شمار می‌رود و در روایات بر نور محمد و آل او (ع) تطبیق شده که به اذن الله بر دیگر پدیده‌ها ولایت دارند. لذا انسان مقرب و معصوم چون پیرو هوای نفس نیست، خدای حکیم برای مصالحی، او را مظهر قدرت تصرف در هستی قرار می‌دهد. در واقع همان‌گونه که تربیت انسان‌ها در مسیر الهی، فرستادن پیام‌آوران آسمانی را می‌طلبد، چنین مقصودی مقتضی امکان تصرف در عالم تکوین به گونه اعجاز یا کرامت هم هست! (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۵۵).

از این رو، نفس امام معصوم (ع) در مقام جمعی خود واجد همه کمالات هستی بوده و برای سلطه بر جهان امکان، تمام معجزات علمی و عملی تمام انبیاء از آدم (ع) تا خاتم (ص) را داراست:

نفوس انسانهای کامل، یعنی امامان معصوم (ع) از آن جهت که تقدم وجودی بر فرشتگان الهی دارند و قبل از آنها خلق شده‌اند، در مقام جمعی خود واجد همه کمالات هستی آنها خواهند بود؛ لذا تمام معجزات علمی و عملی انبیاء (ع) گذشته را دارا بوده و می‌باشند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹، ص ۸۰ و ۸۱)؛ خواه تسخیر فضا همانند سلیمان (ع) و خواه سلطه بر دریا و زمین همانند موسی (ع) و خواه سلطه بر امواج آتش بمانند ابراهیم (ع) و خواه بر احیای مَوْتی و اِبرای اَكْمَه و اُبرص و اخبار به ذخایر خانه‌ها و مانند آن چون عیسی (ع) و خواه معجزه داود و حضرت صالح و... و این ولایت کلیه، از آن نفوسی است که درجه وجودی آنان به همه اسرار جهان آفرینش به اذن الله مطَّوع و محیط باشد. بنابراین نفوس عالیه، صاحبان ولایت کلیه بر اسرار عالم اطلاع هستند و به اذن الله بر جهان امکان سلطه وجودی دارند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۱۶).

کوتاه سخن آنکه، فنای ذاتی نفس امام معصوم (ع) در اراده حق تعالی و طهارت آن از نقوش اغیار، سبب نائل شدن به مقام تصرف در آفرینش شده است: زیرا روح پاکی که از رنگ تعلق به غیر حق آزاد گشت و به قرب فرائض، همانند قرب نوافل راه یافت، مجاری ادراکی او مجالی سمع و بصر و نطق و... خدا خواهد بود، چنانکه صدرالمتألهین می‌فرماید: «و اعلم أن من صَفِّي وجه قلبه عن نقوش الأغبیار و نُفِضَ عن ذاته غبار التعلقات... فإذا رجع إلى الصحو بعد المحو... نفذ حكمه و أمره و استجیب دعوته و تكرم بكرامة التكوين و تكلم بكلام رب العالمین...» (شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۷، ص ۲۲).

ب) جامع حقائق عقلانیه و برزخیه

نفس امام معصوم (ع) جامع جمیع حقایق عقلانیه و رقایق برزخیه است و به همین جهت جامع جمیع آثار آن تعینات نیز می‌باشد، چنانکه علامه حسن‌زاده آملی می‌فرماید: «بر مبنای وحدت شخصی وجود، مراتب تمامی موجودات در قوس نزول، از تعینات نفس رحمانی [حقیقت محمدیه] و حقیقت ولایت است و در قوس صعود، حقیقت انسان کامل دارای جمیع مظاهر و جامع جمیع مراتب است. پس تمامی حقایق عقلانیه و رقایق برزخیه آنها که گاهی به عقل و گاهی به شجره و گاهی به کتاب مسطور به عبارات و اسامی مختلفه مذکور می‌شود تماماً نفس حقیقت انسان کامل است، که بر حسب هر درجه‌ای از درجات، تعین خاص و اسم مخصوص

حاصل نموده و بدین جهت حقیقت انسان کامل را جایز است که آثار تمامی آن تعیینات را به حقیقت خود اسناد دهد چنانکه در خطب منتسبه به حضرت علی (ع) آمده است «انا آدم الأول و انا نوح الأول و انا آیه الجبار و انا حقیقه الاسرار و انا صاحب الصور، و انا ذلك النور الذي اقتبس موسى منه الهدى- انا صاحب نوح و منجیه، انا صاحب الايوب المبتلى و شافیه» (حسن زاده آملی، ۱۳۷۸، ص ۵۳۳).

ج) مظهر اراده تشریحی خداوند

پیش از این بیان شد که بُعد هستی‌شناسی دین به طور انحصاری توسط اراده و علم ازلی پروردگار رقم می‌خورد و عقل بشری تنها شأن ادراکی را نسبت به محتوای دین حائز است. اکنون روشن خواهد شد که عقول انبیاء (ع) و نفوس قدسی اولیای معصوم (ع) و صاحبان مقام ولایت کلیه الهیه نیز مجرای بروز اراده تشریحی خداوند هستند. البته، این بدان معنا نیست که امر تشریح قوانین به آن‌ها تفویض شده باشد: برخورداران عصمت، دارندگان مقام ولایت کلی الهی‌اند که عقول و نفوس قدسی ایشان، مجرای بروز اراده تشریحی خداست نه آن‌که تشریح احکام به ایشان واگذار شده باشد [به این معنی که] معصومان (ع) تنها بازگوکننده اراده تشریحی خداوند. چون معصوم مانند فقیه جامع شرایط نیست که با اجتهاد خود حکمی ظنی بدهد که شاید صواب باشد یا خطا؛ بلکه تمام احکام کلی که از زبان معصوم بیان می‌شود، همگی بی‌واسطه یا باواسطه برآمده از منبع زلال وحی و الهام الهی است و بر اساس حدیث نوافل، خدای رحمان زبان او در مقام گویایی است: کنث... لسانه الذي ينطق به؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۵۲) یعنی گوینده ولی خداست لیکن با زبان الهی در مقام فعل سخن می‌گوید، نه در مقام ذات نه اکتناه صفات ذات (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۳۹-۴۰). لذا روایاتی که در این باره وارد شده و دلالت دارد بر تفویض تشریح احکام به این ذوات قدسی، باید طوری تفسیر شود که محذور تفویض محال لازم نیاید (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۵۰).

بخش دوم: چگونگی ارتباط نفس امام معصوم (ع) با نفوس دیگر

با توجه به مقدمات پیشین، و اثبات ولایت تکوینی و تشریحی امام معصوم (ع) در عالم هستی، اکنون به بررسی چگونگی ارتباط نفس امام معصوم (ع) با نفوس دیگر می‌پردازیم زیرا یکی از

مصادیق ولایت مطلقه خلفای الهی در زمین، وجود ارتباط تنگاتنگ میان نفس امام معصوم (ع) با دیگر نفوس است، که طبق مصالح خود محقق است و ما اکنون در دو بخش به آن می‌پردازیم:

اول: ارتباط نفوس معصومین (ع) با یکدیگر

محقق دوانی با استناد به آیه شریفه «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ» (آل‌عمران، ۶۱) امام علی (ع) را دارای نفس قدسی دانسته و درباره کیفیت ارتباط نفس مبارک آن حضرت پیش از تولد با نفس قدسی پیامبر اکرم (ص) می‌گوید: نفس شریف امام علی (ع) قدسی و علم ایشان لدنی است، به حدی که در وقتی که ایشان بمشیمه رحم مادر خود فاطمه بنت اسد بودند، چون حضرت سیدالبشر (ص) فاطمه را می‌دیدند، فاطمه بی‌اختیار از جای خود برمی‌خاست، و چون از حقیقت حال او استفسار می‌نمودند، می‌فرمود غریب حالتی مشاهده می‌کنم، که هرگاه حضرت سید البشر را می‌بینم، جنین در رحم من به حرکت می‌آید می‌یابم که جنین در مشیمه قیام نموده، لهذا هنگام دیدن آن حضرت بی‌اختیار برمی‌خیزم، و چون رسول الله (ص) در پیش من از طرفی به‌طرف دیگر می‌رود، فی‌الغور جنین در مشیمه رحم من به حرکت می‌آید، چنانچه می‌یابم که رو به طرفی که حضرت توجه فرموده جنین نیز روی به آن طرف دارد، بنابراین مرا ناچار روی بدان طرف باید کرد که توجه به آن حضرت است. و این نیست مگر از خواص نفس قدسی. اکثر علمای اهل سنت وجه آنکه ایشان را کرم الله وجهه می‌خوانند همین معنی نوشته‌اند (دوانی، بی‌تا، ص ۱۱۹-۱۲۲).

دوم: ارتباط نفوس معصومین (ع) با نفوس مؤمنین

با توجه به دلایل فلسفی و نقلی موجود، ارواح مؤمنین از طینت انبیاء و اوصیاء آفریده شده‌اند (شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۱۹۵). لذا به جهت وحدت، امام معصوم (ع) بر نفوس، اعمال و احوال همه موجودات عالم هستی، چه در روی زمین و چه در آسمان‌ها و هرجایی که باشند، ولایت و آگاهی دارد، چنانکه در میان آنها نسبت به مؤمنان، عنایت و توجه خاصی دارد، آنجا که قرآن کریم درباره ولایت نفس مبارک پیامبر اکرم (ص) بر نفوس مؤمنین می‌فرماید: «الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (احزاب، ۶). لذا آنان که صاحب نفس و نفس‌اند، اولیای خدای و امام معصوم (ع) هستند

که مثل تأثیر آنان در نفوس انسان‌ها مثل مغناطیس است، چون مغناطیس بی هرگونه حرکتی، تنها با جاذبه ذاتی خود آهن سنگین را به سوی خویش می‌کشاند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹، ۸۶).

حضرت امام خمینی (ره) با استناد به فقره‌ای از زیارت جامعه کبیره که می‌فرماید: (و ارواحکم فی الأرواح و نفوسکم فی النفوس و أجسامکم فی الأجسام)، در تبیین کیفیت و دلیل سلطه وجودی نفس امام معصوم (ع) بر دیگر نفوس می‌فرماید: انسان کامل و ولی مطلق دارای مقام مشیئه مطلقه می‌باشد که سائر موجودات بوسیله این مقام آشکار می‌شوند و حقایق تحقق پیدا می‌کنند و ذوات هویت پیدا می‌نمایند پس انسان کامل به منزله اصل است و سایر مخلوقات فروع آن می‌باشند و بر همه مراتب و منازل وجود و غیب و شهود احاطه دارد ... همه خلایق به منزله پوست و او به منزله مغز آنان می‌باشد و آن‌ها به منزله صورت و او معنی، و آن‌ها ظاهر و او باطن، می‌باشند پس روح ولی روح همه و نفس وی نفس همه و جسم او جسم همه است چنانچه وارد شده است (و ارواحکم فی الأرواح و نفوسکم فی النفوس و أجسامکم فی الأجسام). و به عبارت دیگر کسی که [مثل اهل بیت علیهم‌السلام] راه حق را طی کند و از هواهای نفسانی به طور کامل خارج باشد و با همه شئون ذاتی، صفتی و فعلی خود در خداوند متعال فانی شود و مملکت وجود خود را به قیوم ذوالجلال واگذار کند و با قلب سلیم به محضر پروردگار حاضر شود و از طریق راه راست به مقام بندگی برسد و به حقیقت کامل ربوبی متحقق شود چه بسا باشد که رحمت واسعه الهی و فیوضات کامل ربوبی شامل حال وی شده و او به مملکت خود بازگردانده شود و ابقاء بعد از فنا شود. پس با دستی پُر از این تجارت خود برمی‌گردد در حالی که در معامله خود با خدا ضرر ننموده چراکه او اکرم الأکریمین و جوادترین معامله‌گر می‌باشد. پس خداوند در مقابل این که او روح جزئی خود را به خدا تسلیم نمود، روح همه را به او اعطا می‌نماید و در مقابل نفس جزئی‌اش، نفس همه را و در مقابل جسم جزئی‌اش، جسم همه را. پس عالم وجود تبدیل می‌شود به مملکت وجود و محل سلطنت و امارت آن ولی» (امام خمینی، ۱۴۲۰، ص ۶۰-۶۱).

الف) آگاهی از باطن نفوس

بر اساس مبانی نقلی، امام معصوم (ع) حضور همه جانبه‌ای بر جسم و جان مردم دارد، به طوری که

هیچ ظاهر و باطنی از او مخفی نیست و هیچ کس از سیطره ولایت ایشان خارج نیست. لذا امام معصوم (ع) چه در حال حیات و چه در حال ممات و چه در پرده غیبت، به شرق و غرب عالم آگاهی دارد. این در واقع به معنای آن است که ایشان فقط جسماً از دیدگان نوع افراد غایب می‌باشند اما ولایت نفس ایشان بر نفوس دیگر باقی است. چنانکه امام عصر (عج) چشم خداوند در میان آفریدگان خوانده شده است که: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ». حضرت آیت الله جوادی آملی درباره راز آگاهی امام معصوم (ع) از اعمال بندگان می‌فرماید: فیض الهی همان گونه که در قوس نزول از طریق واسطه فیض به مستفیض می‌رسد، در قوس صعود نیز به وساطت او که حتی شاهد بر اعمال نیز می‌شود به مقصد می‌رسد، وگرنه لازم می‌آید که وی با آنکه هدایت باطنی نفوس و ولایت بر آن‌ها را عهده‌دار است، از محدوده کار خود و سرنوشت فیضی که او واسطه‌اش بود و میزان تأثیر آن بر مستفیض بی‌خبر باشد. به عبارت دیگر: از آنجاکه هدایت باطنی نفوس و ولایت بر آن‌ها بر شناخت و آگاهی از درون افراد متوقف است، خدای سبحان فرمود: به تحقیق، خدا و رسولش و مؤمنان عمل شما را می‌بینند؛ «و قُلْ اَعْمَلُوا فِی سَبِيْرِ اللّٰهِ عَمَلَكُمْ و رَسُوْلِهِ و الْمُؤْمِنُوْنَ». (توبه، ۱۰۵) «سین» در (فسیری)، سین تحقیق است، نه سین تسویف و استقبال. حضرت امام علی بن موسی الرضا (ع) فرمود: مراد از این مؤمنان، ما امامان هستیم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۳۴۶) راز این نکته آن است که، آن کس که از راه باطن، دیگران را هدایت کرده، به آنان فیض می‌رساند باید از محدوده کار خود که باطن افراد است باخبر باشد. به بیان دیگر، لازم چنان مقامی شهادت امام بر اعمال انسان‌ها و عرضه اعمال (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۱۹-۲۲۰) آن‌ها بر اوست (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۶، ص ۵۰۰-۵۰۱).

همچنین روایات مشابه دیگری در منابع روایی موجود است که ائمه معصومین (ع) نسبت به احوال شیعیانشان مطلع هستند چنانکه امام عصر (عج) در توقیع شریف خود به شیخ مفید فرمودند: «فَإِنَّا نُحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ ... إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِفُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِيْنَ لِدِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْأَوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ»؛ ما به آنچه بر شما می‌گذرد احاطه علمی داریم، و هیچ یک از خبرهای شما از ما پوشیده نیست... ما نسبت به رعایت حال شما اهمال

نمی‌کنیم و یاد کردن شما را فراموش نمی‌کنیم، و اگر چنین نبود، بلاها بر شما نازل می‌شد، و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌نمودند (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۹۷).

ب) تصرف در نفوس

یکی از مطالب عرشی که در بحث حدوث زمانی عالم مطرح است این است که انسان در مسیر تکاملی و استکمالی خود بجایی می‌رسد که عالمی عقلی مضاهمی و مشابه با عالم عینی خارجی می‌شود که جهانی است افتاده در گوشه‌ای، پس این انسان عالم مجرد عقلانی، عالم حادث به حدوث زمانی است. در حقیقت، انسان‌های کامل به فعلیت رسیده، هر یک عالم حادث به حدوث زمانی‌اند. بنابراین، ماده کائنات در تحت اراده انسان کامل قرار می‌گیرد و موجودات عالم چنان در اطاعت او خواهند بود که اعضا و جوارح ما در اطاعت و اختیار ما می‌باشند (حسن‌زاده‌آملی، ۱۳۸۷، ص ۵۲-۵۴).

از همین رو، بر اساس براهین عقلی گفته شده است که: صاحب نفس قدسی متصرف در اجزاء عالم، (دوانی، بی‌تا، ص ۱۱۹) و از جمله نفوس انسان‌های دیگر است. چراکه نفوس قدسی، دست‌پرورده خداوند متعال‌اند و از این رو، تربیت نفوس انسان‌های دیگر به آنان سپرده شده است، چنانکه امام مهدی (عج) در توقیع شریفشان فرمودند: «لَحْنُ صَنَائِعِ رَبَّنَا، وَالْحَلَقُ بَعْدُ صَنَائِعُنَا؛ ما دست‌پروردگان خدایمان هستیم و پس از آن، مردم، دست‌پرورده مایند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۳، ص ۱۷۹). علامه حسن‌زاده‌آملی درباره کیفیت تصرف نفوس کلیه در اعیان موجودات می‌فرماید:

نفوس کلیه الهیه مؤید به روح القدس یک نحو اتحاد تعلقی به اعیان موجودات می‌گیرند که آن‌ها به منزلت اعضا و ابدان آن نفوس می‌گردند و لذا در آن‌ها تصرف می‌کنند آن چنانکه ما به دست و پای خود در قبض و بسط و حرکت و سکون امر می‌دهیم و آن‌ها را به اذن الله در اختیارداریم (حسن‌زاده‌آملی، ۱۳۶۶، ص ۲۲۵). پس وجود انسان کامل ظرف همه حقائق و خزاین اسماء الله است، و این اسماء الله اعیان حقایق نوریه دار هستی‌اند نه اسمای لفظی، لاجرم صاحب این مقام دارای ولایت تکوینی است که مفاتح غیب یعنی همان حقائق نوریه در دست او است و می‌تواند با اذن و مشیت الهی تصرف در کائنات کند، بلکه در موطن و وعای خارج از بدن خود

انشاء و ایجاد نماید و موجودات خارجی به منزلت اعضای وی و خود او به مثابت جان آنها گردد، زیرا که نفس ناطقه انسانی مجرد قائم بذاتش و خارج از بدن و محیط و مستولی بر آن است و تعلق تدبیری و تصرف در بدن دار. (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۵).

علیرغم بدهت مقام تصرف تکوینی نفوس معصومین (ع) در فلاسفه اسلامی، اما فخر رازی در ذیل آیه ۱۲۹ بقره که می‌فرماید: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» می‌گوید: مراد از اینکه پیامبر جامعه را تزکیه می‌کند، تصرف در باطن آنها نیست، زیرا اولاً پیامبر، قادر بر تصرف در باطن نیست و ثانیاً بر فرض برخوردار بودن وی از چنین قدرتی، آن را اعمال نمی‌کند، چون اعمال آن مستلزم جبر است (فخر رازی، ج ۴، ص ۵۹).

حضرت آیت الله جوادی آملی در پاسخ به شبهه فخر رازی می‌فرماید:

باید توجه داشت که اولاً کسی که به مقام شامخ نبوت رسیده، به یقین دارای مقام ولایت است و قطعاً می‌تواند به اذن خدا در نفوس دیگران مؤثر باشد. کسی که به اذن خدای سبحان از همه خاطرات افراد جامعه مستحضر است قدرت بر تصرف در نفوس آنها را نیز دارد، و همان‌گونه که متصف بودن او مثلاً به (اغناء) و بی‌نیاز ساختن که وصف خداوند است: «أَعْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ» (توبه، ۷۴) مستلزم جبر نیست، قدرت او بر چنان تصرفی نیز مستلزم جبر نخواهد بود. چون چنین تصرفی با حفظ اختیار افراد و در قلمرو قدرت آنها صورت می‌پذیرد، چنان که خواهد آمد.

ثانیاً بر فرض که اعمال آن قدرت مستلزم جبر باشد، این مطلب بامسلك جبری فخر رازی سازگار است؛ نه مخالف، مگر آنکه این کلام را به عنوان جدل با منکران جبر گفته باشد.

ثالثاً اعمال آن قدرت و تصرف در باطن افراد، جبر نیست، زیرا این تزکیه، ابتدایی و در طلیعه امر نیست تا برخی افراد به طور جبر وارسته و بعضی دیگر چنین نباشند، بلکه پاداش انسان سالکی است که بخشی از مشکلات و امتحانات را با کوشش مشروع خود گذرانده است. خدای سبحان به عنوان ایصال به مطلوب برای اینکه سالک الی الله ادامه راه را بهتر و با سهولت ببیماید، او را از فیض خاص برخوردار و در او شوق و کشش ایجاد می‌کند و کسی را به دستگیری و راهنمایی او می‌فرستد. این نه عین جبر است و نه مستلزم آن، بلکه همان هدایت به معنای ایصال

به مطلوب است. پیامبر گرامی (ص) به اذن خدای سبحان می‌تواند با ولایت تکوینی خود در باطن افراد چنین تأثیر بگذارد و این مطلب بارزترین مصداق مزگی بودن رسول اکرم (ص) و قدرت او بر تزکیه نفوس است. این تزکیه تکوینی، خواه به خداوند نسبت داده شود یا به رسول او، به معنای ایصال به مطلوب است؛ نه صرف ارائه طریق (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۷، ص ۹۷-۹۸).

ج) وساطت در نزول فیض بر نفوس

هدایت باطنی، فیضی درونی است که از ناحیه خدای سبحان به قلوب نورانی ائمه (ع) و از آنجا به دل‌های مؤمنان می‌رسد. این نکته را می‌توان از روایتی نیز که در ذیل آیه شریفه «وما تشاءون إلاّ ان یشاء الله» (انسان، ۳۰) وارد است استفاده کرد. در این روایت از امامان معصوم (ع) چنین نقل شده که: دل‌های ما ظرف اراده خداست؛ «قلوبنا أوعیة لمشيئة الله» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۵، ص ۳۳۷). خداوند هر کاری را در عالم اراده کند، از قلب امام می‌گذراند و امام با این روش از امور عالم آگاهی می‌یابد. اراده خدای سبحان، کاری از کارهای آن حضرت و صفت فعل اوست و فعل خدا چون خارج از ذات اوست افزون بر اینکه موجودی امکانی است و باید از موجود ممکن انتزاع شود، محلّ خاص می‌طلبد، و دل امام آشیانه اراده خداست؛ چنان‌که در برخی تعبیر آمده است: «إنّ الإمام وکثر لإرادة الله عزّوجلّ» (همان، ج ۲۵، ص ۳۸۵). قلب امام آشیانه اراده الهی است؛ از این رو امام از آنچه در جهان می‌گذرد آگاه است و از این رو:

هر مقام و فیضی نصیب هر کس بشود به برکت و وساطت امام است؛ چنان‌که پذیرش و صعود اعمال و عقاید دیگران در پی پذیرش و صعود عقیده و عمل اوست. زیرا وقتی هویت انسان کامل امام هویت‌های سالکان صالح شد عقیده او امام عقاید و خُلق او امام اخلاق و عمل خیر وی امام اعمال نیک دیگران خواهد بود. (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۶، ص ۵۰۱-۵۰۲).

حضرت آیت الله جوادی آملی در تفسیر فرازی از زیارت جامعه کبیره که می‌فرماید: «وَ الْحَقُّ مَعَكُمْ وَ فَيْكُمْ وَ مِنْكُمْ وَ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ أَفْلَهُ وَ مَعْدِنَهُ» می‌فرماید:

معدن حق بودن ائمه (ع) به معنای مخزن آن بودن نیست، بلکه بدین معناست که هر حقی پس از نزول از خدای متعالی باید در وجود آن ذوات قدسی (ع) قرار گیرد و در آنجا به اذن خداوند

پروریده شود و سپس بجوشد و به دیگران برسد، وگرنه دیگران قابلیت استفاده مستقیم از آن را ندارند. به عبارت دیگر؛ تعبیر «معدن الحق» همانند «معدن الرحمه» به واسطه فیض بودن ائمه (ع) اشاره داشته دارد، چراکه فیض حق پس از نازل شدن از خزانه غیب الهی به معدن وجود آن ذوات قدسی (ع) و تقسیم‌بندی بر اساس استعداد مستفیضان به آنان می‌رسد. به شکل طبیعی گفتار، نوشتار و کرداری که از آن ذوات نورانی (ع) صادر می‌شود جز حق نیست. بدین ترتیب «حق» با نشأت گرفتن از مبدأ اصلی «الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ» (آل عمران، ۶۰) از مجرای آن ذوات نورانی و وسائط فیض (ع) می‌گذرد و به واسطه آنها به دیگران می‌رسد: و إرادة الربّ في مقادير أموره تحبط إليكم وتصدر من بيوتكم (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۳۶۶؛ مفاتیح الجنان، «زیارت اول از زیارات مطلقه امام حسین (ع)») و در بازگشت نیز با امامت ملکوتی آن ذوات قدسی (ع) به مبدأ خود بازمی‌گردد، پس خدا مبدأ و مقصد اصلی «حق» است و ائمه (ع) مبدأ و مقصد تبعی آن (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۶، ص ۳۳۷-۳۳۸).

د) اثر پذیری از نفوس مؤمنین

محمد بن حسن صفار صاحب از اصحاب امام حسن عسگری (ع) در کتاب *بصائر الدرجات* بابی را به چگونگی اطلاع غیبی ائمه (ع) از احوال شیعیان اختصاص داده است. در حدیثی امام علی (ع) خطاب به زمیله که باحال مریضی برای نماز به مسجد رفته بود فرمودند: «یا زمیله، لیس من مؤمن یمرض إلا مرصنا یمرضه ولا یجزن إلا حزننا یجزنه ولا یدعو إلا آمننا لدُعائه ولا یسکت إلا دعونا له؛ ای رمیله! هیچ مؤمنی بیمار نمی‌شود مگر اینکه ما هم به خاطر بیماری او بیمار می‌شویم، و غمگین نمی‌شود مگر اینکه ما هم در غم او غمگین می‌شویم، و هیچ دعایی نمی‌کند مگر آنکه به دعای او آمین می‌گوییم، و سکوت نمی‌کند مگر آنکه ما برایش دعا می‌کنیم. رمیله گوید عرض کردم: ای امیرمؤمنان، فدایت کردم؛ در مورد کسانی که در دیگر جاهای زمین هستند چطور؟ امام در جواب فرمودند: «یا زمیله، لیس یغیب عنا مؤمن فی شرق الأرض ولا فی غربها؛ ای رمیله، هیچ مؤمنی در شرق و غرب زمین از ما پنهان نیست (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۵۹-۲۶۰).

علامه مجلسی در شرح عبارت «لیس من مؤمن یمرض إلا مرصنا یمرضه» می‌گوید: لعل هذا کنایه عن شده عنایتهم (ع) بشیعتهم و محبتهم لهم (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶، ص ۱۴۰).

نتیجه

بنا بر حکمت ایزد تعالی امام معصوم (ع) مؤید به روح قدسی است و به واسطه شدت اتصال نفوس قدسیه، میان نفس رسول خدا (ص) و نفس امام معصوم (ع) بینونت و فاصله‌ای وجود ندارد، و با نفس رسول اکرم (ص) هُو هُویت دارد. نفس قدسی معصومین (ع) پیش از بدن مادی حادث شده و خدای حکیم برای مصالحی، او را مظهر قدرت تصرف در هستی قرار داده است. در واقع همان‌گونه که تربیت انسان‌ها در مسیر الهی، فرستادن راهنمایان آسمانی را می‌طلبد، چنین مقصودی مقتضی امکان تصرف در عالم تکوین به گونه اعجاز یا کرامت نیز هست! چنانکه تولد پیامبر (ص) همراه با ارهاص بود. همچنین به دلیل اتحاد نفوس معصومین (ع) با یکدیگر، نفوس آنان حتی پیش از تولد با نفس قدسی معصوم دیگر ارتباط دارد. علاوه بر این، به دلیل ولایت تکوینی مطلقه نفس امام (ع) بر سایر نفوس، نفس امام (ع)، واسطه فیض بر نفوس و آگاه بر احوال و اعمال نفوس مؤمنین و حتی متأثر از آنان است و شادی و غم مؤمنین بر نفس امام معصوم (ع) تأثیر می‌گذارد.

منابع و مأخذ

۱. ابن سینا، (۱۴۰۴ق)، *الشفاء*، تحقیق سعید زاید، ناشر: مکتبه آیه الله المرعشی، محل نشر: قم.
۲. _____، (۱۳۸۳ش)، *طبیعیات دانشنامه علائی*، تصحیح سید محمد مشکوه، ناشر: دانشگاه بوعلی سینا، محل نشر: همدان، دوم.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، (شیخ صدوق)، (۱۳۷۸ق)، *عیون أخبار الرضا (ع)*، مصحح: مهدی لاجوردی، نشر جهان، محل نشر: تهران، چاپ: اول.
۴. ابن قولویه، جعفر بن محمد، (۱۳۵۶ش)، *کامل الزیارات*، مصحح: عبدالحسین امینی، ناشر: دارالمرتضویه، محل نشر: نجف، چاپ: اول.
۵. ارسطو، (بی‌تا)، *فی النفس*، تحقیق: عبد الرحمن بدوی، ناشر: دارالقلم، محل نشر: بیروت.
۶. افلاطون، (۱۳۸۴)، *دوره کامل آثار افلاطون*، ترجمه: محمد حسن لطیفی، نشر خوارزمی، محل نشر: تهران، چاپ: سوم.
۷. آملی، سید حیدر، (۱۳۶۸ش)، *جامع الأسرار و منبع الأنوار*، ناشر: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، محل نشر: تهران، چاپ: اول.
۸. دوانی، محقق؛ و داماد، میر محمد باقر، (بی‌تا)، *الرسائل المختاره*، ناشر: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین (ع)، محل نشر: اصفهان.
۹. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۲ش)، *ادب فنای مقرران*، تحقیق: محمد صفایی، نشر اسراء، محل نشر: قم، چاپ: چهارم.
۱۰. _____، (۱۳۸۶ش)، *سرچشمه اندیشه*، محقق عباس رحیمیان، نشر اسراء، محل نشر: قم، چاپ: سوم.
۱۱. _____، (۱۳۹۳ش)، *تفسیر تسنیم*، نشر اسراء، محل نشر: قم، چاپ: یازدهم.
۱۲. _____، (۱۳۹۴ش)، *منزلت عقل در هندسه معرفت دین*، نشر اسراء، محل نشر: قم، چاپ: هشتم.

۱۳. _____ (۱۳۸۹ش)، امام مهدی (عج) موجود موعود، نشر اسراء، محل نشر: قم، چاپ: دوازدهم.
۱۴. _____ (۱۳۹۴ش)، تفسیر موضوعی قرآن کریم: سیره پیامبران (ع) در قرآن، نشر اسراء، محل نشر: قم، چاپ: هشتم.
۱۵. حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۶۶ش)، اتحاد عاقل به معقول، ناشر: حکمت، محل نشر: تهران، چاپ: دوم.
۱۶. _____ (۱۳۷۸ش)، ممد الهمم در شرح فصوص الحکم، ناشر: وزارت ارشاد، محل نشر: تهران، چاپ: اول.
۱۷. _____ (۱۳۸۳ش)، انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، ناشر: الف لام میم، محل نشر: تهران، چاپ: اول.
۱۸. _____ (۱۳۸۷ش)، ولایت تکوینی، اشر: قیام، محل نشر: قم، چاپ اول.
۱۹. حلّی، حسن بن یوسف، (علامه حلّی)، (۱۴۰۱ق)، أجوبه المسائل المهنائیة، ناشر: خیام، محل نشر: قم، چاپ: اول.
۲۰. خواجهوئی، محمد اسماعیل، (۱۴۱۸ق)، جامع الشتات، تحقیق: سید مهدی رجائی، ناشر: بی نا، محل نشر: بی جا، چاپ: اول.
۲۱. خمینی (س)، سید روح الله، (۱۴۲۰ق)، التعلیقہ علی الفوائد الرضویة، ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)، محل نشر: تهران، چاپ: دوم.
۲۲. داماد، میرمحمدباقر، (میرداماد)، (۱۳۶۷ش)، القبسات، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. زبیدی، محمد مرتضی، (۱۹۶۵م)، تاج العروس من جواهر القاموس، ناشر: دارالهدایه، محل نشر: بیروت.
۲۴. سبزواری، هادی، (ملاهادی)، (۱۳۹۱ش)، شرح الأسماء الحسنی، فاطمه شیخ الاسلامی، علی شیخ الاسلامی، ناشر نوید اسلام، محل نشر: قم، چاپ: اول.
۲۵. شیرازی صدرالدین محمد، (ملاصدرا)، (۱۹۸۱م)، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه، ناشر: داراحیاء التراث، محل نشر: بیروت، چاپ: سوم.

۲۶. _____، (۱۳۶۰ش)، *أسرار الآيات و أنوار البينات*، ناشر: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه اسلامی، محل نشر: تهران، چاپ: اول.
۲۷. _____، (۱۳۷۸ش)، *المظاهر الإلهية في أسرار العلوم الكمالية*، ناشر: بنیاد حکمت اسلامی صدرا، محل نشر: تهران، چاپ: اول.
۲۸. _____، (۱۳۶۶ش)، *تفسیر القرآن الکریم*، ناشر: بیدار، محل نشر: قم، چاپ: دوم.
۲۹. صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات في فضائل آل محمد (ع)*، مصحح: محسن کوچه باغی، ناشر: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، محل نشر: قم، چاپ: دوم.
۳۰. طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۳۶ق)، *بداية الحکمة*، تحقیق: عباس علی زارعی، ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی، محل نشر: قم، چاپ: بیست و نهم.
۳۱. طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مصحح: محمد باقر خراسان، ناشر: مرتضی، محل نشر: مشهد، چاپ اول.
۳۲. طهرانی، سید محمد حسین، (۱۴۱۸ق)، *امام شناسی*، ناشر: انتشارات علامه طباطبایی، محل نشر: مشهد، چاپ: دوم.
۳۳. غزالی، ابو حامد، (۱۴۱۶ق)، *مجموعه رسائل الامام الغزالی*، ناشر: دارالفکر، محل چاپ: بیروت، چاپ: اول.
۳۴. فیاضی، غلامرضا، (۱۳۹۳ش)، *علم النفس*، تحقیق: محمد تقی یوسفی، ناشر: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، محل نشر: قم، چاپ: سوم.
۳۵. قاینی، میرزا ابو جعفر کافی، (۱۳۶۴ش)، *رسائل عرفانی و فلسفی حکیم قاینی*، تصحیح: سید محمد باقر حجتی، ناشر: انتشارات علمی فرهنگی، محل نشر: تهران، چاپ: اول.
۳۶. کاشانی، کمال الدین عبد الرزاق، (۱۳۸۰ش)، *مجموعه رسائل و مصنغات کاشانی*، تصحیح و تعلیق از مجید هادی زاده، ناشر: میراث مکتوب، محل نشر: تهران، چاپ: دوم.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تصحیح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الإسلامیه، محل نشر: تهران، چاپ: چهارم.

تبيين فلسفی- نقلی کیفیت نفس امام معصوم (ع) و ارتباط آن با نفوس ديگر..... ♦ ۱۰۷

۳۸. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، ناشر: دار إحياء التراث العربی، محل نشر: بیروت، چاپ: دوم.

۳۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۷ق)، الغیبه، مصحح: علی اکبر غفاری، ناشر: صدوق، محل نشر: تهران، چاپ: اول